

یادگیری، یاددهی

مصطفی زارعی سندرکی*

مقدمه

از آنجائیکه آموزش و پرورش کلید توسعه همه جانبه جوامع بشری است، یکی از اساسی ترین وظایف و مأموریت های خود را تربیت انسانی کیفی، توسعه یافته و مولد می داند. نیروی انسانی کارآمد با تأکید بر دانش، مهارت و اندیشه های بلند موجب تحول و پیشرفت جامعه می شود. تغییر و تحولات دنیای کنونی ایجاب می کند که دستگاه تعلیم و تربیت از طریق تدارک زمینه های تربیتی، شایستگی های لازم را در افراد برای تامین سعادت و نیکبختی جامعه فراهم نماید، تادانش آموزان بتوانند به رشد علائق، استعدادها و توانمندی های خود پی ببرند. خوشبختانه با ارتقاء سطح علمی و فرهنگی جامعه، متخصصان تعلیم و تربیت با در اختیار گذاشتن حاصل یافته های علم روانشناسی و مشاوره و اصول و قوانین آن، تلاش کرده اند در طرح ریزی برنامه های آموزشی و انتخاب معلمان در امر تدریس؛ شکوفایی استعداد های بالقوه دانش آموزان و ایجاد انگیزه تحصیلی دانش آموزان هر چه بیشتر مفید و مؤثر باشند. آنان در یافته های خود، بر مباحثی چون رشد، خصوصیات روانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی کودکان و نوجوانان، روش ها و هدف های آموزشی، روش های ایجاد انگیزه و استعدادها و علائق دانش آموزان تأکید دارند. و از آنجا که معلمان اوقات بیشتری را با دانش آموزان می گذرانند، بهتر از سایر کارکنان مدرسه و زودتر از آنان می توانند به دانش آموزان کمک کنند. معلمان در حین تدریس در کلاس درس، مشکلات دانش آموزان را از قبیل ناسازگاری، انزوای طلبی، اختلال در یادگیری، مسائل خانوادگی،... را شناسایی می کنند.

mostafa_zareei@yahoo.com

آموزگار آموزش و پرورش منطقه سندرک

تاریخ پذیرش:

تاریخ دریافت:



صاحب نظران معتقدند که معلمین به سبب اینکه بیشترین رابطه را با دانش آموزان دارند می توانند از فرصت به موقع استفاده کنند و آنان را منطبق بر نیازمندی هایشان یاری دهند، تا خود را بهتر بشناسند و با استعدادهایشان آشنا شوند، مشکلاتشان را شناسایی کنند و با محیط خود نیز سازگار شوند. معلمان چون در کلاس درس حضور دارند و دانش آموزان را مشاهده می کنند، می توانند با دقت در گفتار، اعمال و رفتار و حرکات دانش آموزان، مشکلاتشان را شناسایی و در آنها ایجاد انگیزه به تحصیل را افزایش دهند. آری اکنون جامعه به جوانانی سازنده، مولد، علاقمند و امیدوار نیاز دارد تا بتواند در جهان متحول امروز، رسالت خود را که ساختن جامعه ای سالم، متعادل و نیرومند است به انجام رساند. بزرگانی از ایران که نامشان پایدار است، به یادگیری، عشق و علاقه داشتند و توانستند در فرهنگ بشری مؤثر واقع شوند. آری عشق به آموختن بود که ابوریحان، ابن سینا، خواجه نصیر و شیخ بهایی را به آن درجه از علم و دانایی رساند. البته تشویق و ایجاد انگیزه نیز در موفقیت آنان مؤثر بوده است.

ایجاد ارتباط و انگیزه سازی

لازمه هر شروعی، ایجاد ارتباط مطلوب و فضا سازی است. فرآیند یاددهی - یادگیری امری دو سویه است و به توافق هر دو طرف نیاز دارد. به این ترتیب، معلم نمی تواند بدون توجه به انگیزه و علاقه دانش آموزان، تدریس را شروع کند؛ زیرا تدریس، تزریق نیست. با این حساب، مهارت داشتن معلم در این مرحله، بسیار مهم است و نقطه شروع تدریس به هنرمندی خاصی نیاز دارد تا انگیزه توأم با هدفمندی و نشاط را در دانش آموزان به وجود آورد.

«هنگامی که دلها نشاط یافتند، علم و کمال را در آنها به ودیعه بگذارید و هرگاه از نشاط تهی و گریزان شدند، آنها را وداع کنید؛ زیرا دلها در چنین حالتی آماده ی فراگیری علم نیستند.» (بحار الانوار، جلد ۷۸، ص ۳۷۹) جان دیوی، دانشمند معروف تعلیم و تربیت نیز در مورد علاقه و انگیزه های درونی فراگیرندگان می گوید: «علاقه، جرقه ای است که بدون آن شعله یادگیری فروزان نمی شود. «او علاقه کودک را در چهاربخش دسته بندی می کند:



۱-علاقه به گفتگو و برقراری ارتباط ۲-علاقه به سردر آوردن از چیزها ۳-علاقه به ساختن ۴-علاقه به کارهای هنری.

مهارت های انگیزه ساز آغازین بسیار فراوان است و در زیر، به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱- نمایش دادن یک فیلم کوتاه ۲- نشان دادن چیزی جذاب ۳- یک اقدام غیرعادی و سؤال برانگیز ۴- نقل داستانی کوتاه ۵- بهره گیری از افراد خارج از کلاس ۶- ارائه ی یک گزارش کوتاه ۷- استفاده از شعر و تمثیل ۸- پرسش تحریک آمیز ۹- تغییر مکان و زمان تدریس ۱۰- اجرای یک نمایش کوتاه (فضلی خانی، ۱۳۸۴، ص ۴۴-۴۳).

عوامل ایجاد انگیزش

نظریه های معاصر انگیزش با تمرکز بر فرآیندهای شناختی و عاطفی، چنین بیان می کنند که این فرآیندها، اعمال انسان را برمی انگیزند، جهت دهی می کنند و تداوم می بخشند. یکی از فرآیندهای انگیزش به نام «خودکارآمدی ادراک شده» می باشد. خودکارآمدی، به باورهای افراد در مورد قابلیت های خود در یادگیری و انجام رفتار در سطحی معین مربوط می شود (بندورا، ۱۹۸۶، ۱۹۹۷) تحقیقات زیادی نشان داده اند که خودکارآمدی بر انگیزش، یادگیری و پیشرفت تحصیلی تأثیر می گذارد (پاجارس، ۱۹۹۶، شانک، ۱۹۹۵).

دانش آموزانی که در یادگیری و انجام تکلیف، احساس کارآمدی دارند، در مقایسه با دانش آموزانی که نسبت به قابلیت های یادگیری خود شک و تردید دارند، در سطح بالاتری پیشرفت می کنند، آماده تر هستند، با جدیت بیشتری فعالیت می کنند و استقامت بیشتری نیز دارند.

زمانی که محیط، از نظر غنی سازی فعالیت های مورد علاقه ای که حس کنجکاوی بچه ها را تحریک می کنند، آماده شود و چالش هایی را که بچه هами توانند از عهده ی آنها برآیند، مهیا ساخت، دانش آموزان برای دست و پنجه نرم کردن با فعالیت، انگیزه پیدا می کنند و در نتیجه، نحوه فراگیری اطلاعات و مهارت های جدید را یاد می گیرند (میک، ۱۹۹۷).



هم سالان نیز بر خود کارآمدی دانش آموزان تأثیری می گذارند. مشاهده‌ی افرادی که مشابه باشخص موفق نیز هستند، می تواند خود کارآمدی مشاهده گر را تقویت کند و او را برای انجام تکلیف برانگیزد (شانک، ۱۹۸۷).

گروه‌های همسال، جامعه پذیری انگیزش را بالایی برند. تغییرات انگیزشی بچه‌ها در طول سال تحصیلی، به طور دقیق به وسیله عضویت در گروه‌های هم سال، در ابتدای سال تحصیلی پیش بینی می شود. (کیندرمن، مک کولام و گیسون، ۱۹۹۶). بچه‌هایی که به گروه‌های «بیش انگیزته» می پیوندند، در طول سال تحصیلی به طور مثبتی تغییر می کنند. در نقطه مقابل، در گروه‌های کم تر برانگیزته، به طور منفی تغییر می یابند.

استین برگ، براون و دون بوسچ (۱۹۹۶) تعدادی از دانش آموزان را از زمان ورود به دبیرستان تا سال آخر زیر نظر گرفتند و در الگوهای رشدی تأثیر هم سالان بر بسیاری از فعالیت‌ها، از جمله عملکرد و انگیزش تحصیلی را مشاهده کردند. تأثیرات هم سالان در طول کودکی زیاد می شود و در آخر دوران راهنمایی و اوایل دبیرستان به اوج خود می رسد. سپس در طول دبیرستان کم می شود. زمان اصلی تأثیرگذاری بین سن ۱۲ تا ۱۶ سالگی است یعنی همان زمانی که درگیری والدین در فعالیت‌های بچه کاهش می یابد. استین برگ و همکارانش دریافتند، آن دسته از دانش آموزانی که در گروه‌هایی با جهت گیری تحصیلی، پذیرفته می شوند، نسبت به دانش آموزان عضو در گروه‌هایی با جهت گیری غیر تحصیلی و یا کم تحصیلی، پیشرفت بهتری دارند.

عواملی که باورهای خود کارآمدی مطابق با پیشرفت دانش آموزان در مدرسه را به کاستی می گرایاند، شامل: رقابت زیاد در مدرسه، استفاده زیاد از رتبه بندی هنجار- مرجع، توجه کمتر به پیشرفت انفرادی دانش آموزان و استرس‌های مرتبط با تحولات مدرسه، این موارد دیگر فعالیت‌های مدرسه می تواند، خود کارآمدی تحصیلی را ضعیف کنند؛ به ویژه میان دانش آموزانی که کمتر برای مشغول شدن با تکالیف تحصیلی چالش برانگیز آماده شده اند.

همچنین نظم کاملاً یکسان آموزش در کلاس، دانش آموزانی را که در دست یافتن به تکالیف شکست خورده اند، دلسرد می کند و از همسالان عقب می اندازد (بندورا، ۱۹۹۷) گروه بندی‌هایی که



بر اساس توانایی انجام می‌شوند، می‌توانند در کم کردن خودکارآمدی بین افراد که در گروه‌های پایین هستند، تأثیر داشته باشند.

همچنین کلاسهایی که مقایسه‌های اجتماعی زیادی در آن‌ها شکل می‌گیرند، کم شدن خودکارآمدی را در آن دسته از دانش‌آموزانی که عملکرد خود را ضعیف‌تر از بقیه ارزیابی می‌کنند، به بار می‌آورند (هیمل، کامفورت، شورنت، ریچل و مک دوگال، ۱۹۹۶). (شانگ، پاجارس - ترجمه کیبری، ۱۳۸۵، ص ۶۱-۵۸).

مبانی روانشناختی افت تحصیلی و راه‌های ایجاد انگیزه تحصیلی

۱- **شرایط آموزشی و امکانات مطلوب تحصیلی:** در صورتی که از حواس مختلف انسان برای یادگیری استفاده شود، مسلماً یادگیری راحت و عمیق صورت می‌گیرد و شرایط و امکانات آموزشی به تحقق این امر کمک شایانی می‌کند. عدم امکانات مطلوب تحصیلی و شرایط آموزشی معمولاً عواملی هستند که در ایجاد افت تحصیلی دخیل می‌باشند. امکاناتی از قبیل مدرسه، کلاس، کتاب‌های درسی مناسب و بهره‌مندی از معلمان باسواد و کارآمد، همه از عواملی اند که باعث ایجاد انگیزه تحصیلی می‌شوند.

۲- **در رایت فیزیولوژیک یادگیرنده:** معمولاً شرایط فیزیولوژیک دانش‌آموزان در مدارس مأمور غفلت قرار می‌گیرند، بعضی دچار ضعف شوایی هستند (حدود ۲ درصد سخت‌شنا هستند). بعضی ضعف بینایی دارند. مساله دیگر گرسنگی کودکان است. تحقیقات نشان داده است دانش‌آموزانی که از تغذیه مناسب برخوردارند، کمتر دچار افت تحصیلی می‌شوند.

۳- **شرایط روانی - حرکتی:** مانند دانش‌آموزانی که مبتلا به صرع می‌باشند (حدود ۲ درصد از دانش‌آموزان مدارس ماصرع دارند) یا دانش‌آموزانی که دچار لکنت زبان هستند. از آنجا که نمی‌توانند افکار خود را بازگو کنند، دائماً در فشار روانی، اضطراب و تنش به سر می‌برند. گروه دیگر دانش‌آموزانی هستند که به فلج مغزی دچار هستند. این قبیل کودکان لزوماً عقب مانده نیستند بلکه برخی از آنها تیزهوش نیز هستند و افت تحصیلی آنها به دلیل این است که فاقد حرکت



هستند. برای ایجاد انگیزه در بین این گروه از دانش‌آموزان باید آنها را شناخت و به صورت جداگانه در آنها ایجاد انگیزه کرد.

۴-سازش نایافتگی رفتاری: دانش‌آموزانی که به ناسازگاری عاطفی مبتلا هستند، از نظر رفتاری با محیط سازش ندارند و از یک تعامل بین فردی به نحو مطلوب برخوردار نیستند. ۹۹ درصد از این کودکان در مدارس چون سازگاری با محیط خود ندارند، افت تحصیلی بیشتری دارند. به طور کلی رفتارهایی از قبیل (بیش‌فعالی، بی‌توجهی، کمرویی، درخودفروماندگی و پرخاشگری) همه تحت عنوان سازش نایافتگی رفتاری خوانده می‌شوند و در ایجاد افت تحصیلی مؤثرند.

۵-شرایط عاطفی و روانی: شاید بتوان گفت این مورد در کشور ما عامل اصلی افت تحصیلی می‌باشند. همواره سخن بر این است که میان ظرفیت بالقوه کودکان و آنچه انجام می‌دهند، فاصله‌ای وجود دارد. امروزه روانشناسان معتقدند که نباید صرفاً به دنبال سنجش هوش کودکان بود بلکه باید ظرفیت یادگیری آنها را به دست آورد. زیرا همواره ظرفیت یادگیری دانش‌آموزان بسیار بیشتر از آن است که می‌آموزند که این خود عاملی در افزایش ایجاد انگیزه در بین دانش‌آموزان است. مطابق تحقیقات انجام شده دانش‌آموزان دلایل متفاوتی برای ترک تحصیل بیان داشته‌اند. دلایل مربوط به مدرسه ۷۷٪، دلایل خانوادگی ۳۴٪، دلایل کاری ۳۲٪ (برکتولد و همکاران، ۱۹۹۸) خاص‌ترین دلایل هم: عدم علاقه به مدرسه ۴۶٪، مردودی ۳۹٪، عدم ارتباط خوب با معلم ۲۹٪، پیدا کردن کار ۲۷٪ بودند (پوریان، ۱۳۸۳، ص ۳۶).

مدارسی که سازگاری را پرورش می‌دهند:

وقتی به دانش‌آموزان کمک کنند که حمایت و احترام احساس کنند، دانش‌آموزان برای آموختن، انگیزه، اراده و میل قوی تری خواهند داشت. با انجام موارد زیر مدرسه می‌تواند در ایجاد این حس به دانش‌آموزان کمک کند.

روابط دوستانه: باید حداقل یک نفر در مدرسه باور داشته باشد که دانش‌آموز ارزشمند است و می‌تواند موفق شود. این شخص که ممکن است معلم، ناظم، سرایدار یا راننده‌ی سرویس باشد،



دانش آموز راحتی وقتی که رفتاری ناشایست از خود نشان می دهد یا مشکلی با کلاس دارد، ترک نمی کند.

انتظارات بالا: مدرسی که از همه دانش آموزان انتظارات بالایی دارند، و برای رسیدن به این انتظارات، حتماً آنها را مورد حمایت لازم قرار می دهند، پیشرفت علمی سریع داشته اند. در این مدارس، دانش آموزان علاوه بر توسعه عزت نفس، استقلال و مثبت نگری، یاد می گیرند که چگونه خود و آینده شان را باور داشته باشند. دانش آموزان می دانند که مدرسه انتظارات بالایی از آنها دارد و به روشنی واقف اند که معلمان در هر کلاس از آنها چه می خواهند، یادگیری در این مدارس به طور عملی صورت می گیرد و به دانش آموزان تکالیف دشوار و فکری داده می شود، به آنها در انجام تکالیف کمک می شود. همه دانش آموزان می توانند در کاری که به آنها واگذار شده، مطالب آشنایی را مشاهده کنند. توانایی ها، علایق و تجربیات عملی دانش آموزان در کارها و تمرینات مدرسه نشان داده می شود.

ایجاد فرصت برای همکاری: وقتی شما وارد مدرسه ای می شوید که سازگاری و انعطاف پذیری را در دانش آموزان پرورش داده است، دانش آموزانی را خواهید دید که در اجرای پروژه های آموزشی با یکدیگر همکاری می کنند و در انجام تکالیف مدرسه و خدمت به جامعه شان به همدیگر کمک می کنند. این مدارس باور دارند که هر دانش آموز چیزی برای عرضه کردن دارد و دانش آموزان با تلاش، بهترین هارامی آموزند. (محمودی راد، ۱۳۸۳، ص ۳۰). در تحقیقی که عباس ابوالقاسمی در مورد بررسی تأثیر جوسازمانی و الگوهای رفتار سازمانی مدارس بر بهداشت روانی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان انجام داد نشان می دهد که جو سازمانی باز و الگوهای رفتار سازمانی مناسب بر میزان یادگیری، ایجاد انگیزه، پیشرفت تحصیلی و... تأثیر بسزایی دارد. مدرسی که جو سازمانی بسته بر آنها حاکم بود، دانش آموزان بهداشت روانی کمتر و انگیزه کمتری به تحصیل داشتند و برعکس مدرسی که جو سازمانی باز بر آنها حاکم بود، دانش آموزانش از بهداشت روانی بالاتر، انگیزه بیشتری و پیشرفت تحصیلی بالاتری داشتند. بنابراین نتایج این پژوهش با یافته های پژوهش های دیگر همسو است. ایجاد فضایی باز برای ابراز وجود دانش آموزان

و استفاده از الگوهای رفتار سازمانی مناسب و نوین جهت دستیابی به بهداشت روانی، ایجاد انگیزه و پیشرفت تحصیلی بالا از راهکارهای عملی این پژوهش می‌باشد (کیامرئی، ۱۳۸۲، ص ۲۴).

راه‌های کاهش افت تحصیلی و افزایش انگیزه

برای مقابله با افت تحصیلی و ایجاد انگیزه در بین دانش آموزان، برنامه ریزی درازمدت و زیربنایی نیازاست. برنامه هایی که بر اساس واقعیت های اجتماعی باشند و ضمانت اجرایی به عنوان یکی از اصول برنامه ریزی آموزشی رداشته باشند.

الف- برنامه های درازمدت یا بنیادی: این برنامه ها تدابیر زیربنایی است که یک سیاست

کلی را در نظام آموزشی می‌طلبد. برخی از جزئیات این روشها عبارتند از:

۱- تجدیدنظر در نظام آموزشی.

۲- کاهش تعداد دانش آموزان هر کلاس.

۳- ارزیابی هوشی دانش آموزان قبل از دبستان.

۴- فراهم کردن امکانات آموزش و پرورش.

ب: برنامه های کوتاه مدت: جزئیات این برنامه هابه شرح زیر است:

۱- تهیه به موقع کتابهای درسی و فراهم آوردن وسایل کمک آموزشی.

۲- همکاری نزدیک اولیاء مدرسه و والدین.

۳- ارزیابی عملکرد معلمان و تشویق معلمان کارآمد.

۴- تقویت انگیزه های درونی دانش آموزان.

همچنین تغییر در نگرش های آموزشی معلمان، تغییر در سبک های مدیریتی مدارس، نوآوری در روش های تدریس، اصلاح فرایندهای یاددهی- یادگیری و توجه به مشارکت مردمی می‌تواند در کاهش مسائل آموزش و پرورش و افزایش انگیزه تحصیلی مثر ثمر باشد.

بهره گیری از مطالعات تطبیقی یعنی استفاده از تجربیان سایر کشورها در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد به عنوان مثال در هند راه های زیر را به کار برده اند:

۱- روش های مؤثر تدریس عرضه گردید.



۲- بازآموزی معلمان آغاز شد.

۳- بین معلمان و والدین رابطه نزدیک تر ایجاد شد.

در کشور پاکستان بیشتر روی بازآموزی تاکید شده و بازآموزی معلمان راسرلوحه کار خود قرار داده اند و معتقدند که این کار باید شامل آموزش مهارت های تدریس، بازنگری محتوای دروس و آموزش مهارت هایی باشد که انگیزه دانش آموزان را به درس و تحصیل بیشتر کند. همچنین برای کاهش افت تحصیلی و افزایش انگیزه علاوه بر راه های درون سازمانی به راه های بیرون سازمانی نیز نیاز است. مثلاً کاهش علایق افراد به تحصیلات به ویژه در پسران به خاطر نبود بازار کار مناسب و شایسته برای دانش آموختگان است که این مهم عامل جدی در کاهش انگیزش تحصیلی در آنها می شود. به طوری که نابرابری های آموزشی در شهر و روستا و نیز نابرابری های جنسیتی (دختران در مقابل پسران) در تحصیلات عالی که در یک دهه اخیر برعکس چند دهه قبل در نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی کشور مارخ داده است. به دلیل عدم تطابق نیازهای بازار کار به تخصص فارغ التحصیلان مدارس و دانش آموختگان دانشگاه هاست. (شیخ، ۱۳۶۸، ص ۱۲).

عمده ترین دلایل افت تحصیلی

۱- **عوامل فردی:** شامل هوش، توجه و دقت، انگیزه، هیجانات و آشفته گی های عاطفی، نارسایی های جسمی.

۲- **عوامل خانوادگی:** شامل روابط خانوادگی، فقر مالی و اقتصادی، فقر فرهنگی والدین، فقدان والدین یا والد.

۳- **علل آموزشی مدرسه:** شامل شیوه تدریس معلم، برنامه درسی مدرسه، پیشداوری معلم، شرایط فیزیکی کلاس، ارزیابی های نادرست معلمان از عملکرد دانش آموزان، پایین بودن نسبت معلم به دانش آموزان، کمبود معلمان مجرب، آموزش دیده و علاقمند به تدریس و تحت پوشش قرار نگرفتن دانش آموزان واجب التعلیم (شیخ، ۱۳۶۸، ص ۱۲).



رشد و تقویت توانایی‌ها

مفاهیم خودکارآمدی و کنترل درونی با علاقه به یادگیری چیزهای جدید، تسلط یافتن بر مشکلات و رشد و تقویت تواناییها ارتباط دارند. داشتن این نگرش به زندگی برای کنار آمدن با شکست‌ها بسیار مفید و کمک کننده است. مردم در هنگام مواجه شدن با مشکلات یکی از این دو رویکرد را انتخاب می کنند، آنها یا عمل گرا می شوند یا تسلط گرا.

هدف عمده شخص عملگرا، اثبات و نشان دادن استعدادهای خود به دیگران است. او می خواهد تأیید دیگران را به دست آورد و از هرگونه احتمال ارزیابی منفی از جانب دیگران جلوگیری کند. افراد عملگرا زمانی که کارها به آسانی پیش نمی روند، ناکام می شوند؛ احساس درماندگی می کنند و علاقه و انگیزه خود را برای ادامه‌ی کار از دست می دهند. هدف عمده افراد تسلط گرا این است که چالش را به تجربه‌ای آموزنده مبدل کنند. آنها نیازی ندارند که کارها به آسانی پیش رود، وقتی احساس می کنند که از تلاش خودشان نتیجه‌ای گرفته اند، دیگر شکست یا موفقیت برایشان مهم نیست. به جای اینکه نگران قضاوت دیگران در مورد خود باشند، سعی می کنند با تقویت مهارت‌ها و توانایی‌هایشان انگیزه خود را قوی کنند. (ال. کلینکه، ۱۳۸۰ ترجمه: محمدخانی، صص ۱۱۵-۱۱۳).

راه های عملی معلمان در افزایش انگیزه تحصیلی دانش آموزان

معلمان خوب به دینامی آیند، بلکه ساخته می شوند. معلمی، به دانش و مهارت وسیعی نیازاست تا آموزش و یادگیری تضمین شود. ما خود را در اختیار یک پزشک، وکیل و... قرار نمی دهیم مگر آنکه حداکثر اعتماد را به مهارت او پیدا کنیم. بنابراین معلمی که مهارت خود را اثبات کند، دانش آموزان بیشتر به او اعتماد می کنند و برای شرکت در کلاس‌های او علاقه و انگیزه کافی پیدا می کنند. معلمان علاوه بر مهارت باید از صفات مختلفی نیز برخوردار باشند، در مورد دانش آموزان اطلاعات کافی داشته باشند، از کار خود لذت ببرند. آنها چنان باید در کار خود یعنی آموزش و پرورش دانش آموزان غرق شوند که به نقاشان در حالت خلق آثار هنری، شباهت پیدا کنند. معلمان باید خلاق باشند و مشکلات خود را با ابداع روش‌های تدریس و تدوین مواد آموزشی مناسب حل کنند تا در دانش آموزان انگیزه‌ی بیشتری برای تحصیل ایجاد کنند و آموزش



را به گونه‌ای انجام دهند که روزی فراگیران احتیاج به معلم نداشته باشند و حتی از معلم هم فراتر روند. معلمان باید به دانش‌آموزان ثابت کنند که دوستشان دارند و به آنها فرصت رشد و بهبودی دهند، تا به آنها اعتماد کنند. برای آگاهی از انتظارات دانش‌آموزان از آنها خواسته شود، تا نظرات و انتظارات خود را از معلم و مسئولین بدون ذکر نام در برگه‌ای بنویسند و در صندوق بیندازند تا در حد امکان رسیدگی شود. معلم خوب مطالب مورد تدریس را از ساده به مشکل طبقه‌بندی می‌کند و هنگام سؤال پرسیدن هم از ساده شروع می‌کند. دانش‌آموزان را به خاطر درست جواب دادن و رفتارهای خوب تشویق می‌کند. برای دانش‌آموزانی که پیشرفت خوبی داشته باشند جوایزی تهیه می‌نماید و به طور کلی به پیشرفت انفرادی دانش‌آموزانش توجه می‌نماید. هرگز به خاطر اشتباه و درس نخواندن یک دانش‌آموز، گروه یا تمام کلاس را سرزنش نمی‌کند معلم باید با روش چگونگی یادگیری دانش‌آموزان آشنا باشد و سپس با توجه به نوع روش یادگیری دانش‌آموز، تسهیلات لازم را در اختیار او قرار دهد مثلاً برخی با کارهای دستی، برخی با دیدن تصویر و فیلم و... بهتر یاد می‌گیرند و انگیزه یادگیری در آنها بیشتر می‌شود.

با ارائه تدریس خوب، انگیزه دانش‌آموزان را افزایش دهد یا در آنها انگیزه‌ای برای درس مربوطه ایجاد کند. حتی الامکان از موقعیت‌ها و مثال‌های زنده واقعی، ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها، شعرها، فیلم‌ها و... برحسب درک دانش‌آموزان استفاده نماید. تجربه‌های آموزشی جذابی را برای دانش‌آموزان ترتیب دهد. تدریس خود را با نیازهای دانش‌آموزان با استعداد و هم دانش‌آموزان ناتوان و عقب مانده ترهماهنگ کند.

نمونه‌هایی از انسان‌های پرتلاش ایرانی و غیرایرانی را به دانش‌آموزان معرفی کنند و کوشش‌های آنها را در رسیدن به هدف‌های والا شرح دهند، برای مثال: از علی اکبر دهخدا برای تالیف لغتنامه، ادیسون برای اختراع تلفن، واگن و...

از انجام حل مساله ذهنی طولانی بر حذر باشد تا دانش‌آموزان خسته نشوند، برخی کارها را به دانش‌آموزان واگذار نماید. هر اشتباه درس را بلافاصله تصحیح نکند زیرا اگر فوراً و همیشه اشتباهات یک دانش‌آموز در برابر کلاس به او گفته شود، او به تدریج انگیزه به تحصیل خود را از



دست می‌دهد. از دانش‌آموزان ساعی و قوی، مسائل و سئوالات مشکل‌تر پرسیده شود و سئوالات ساده‌تر از دانش‌آموزان ضعیف‌تر پرسیده شود.

یک دانش‌آموز در دو موقعیت، دو رفتار کاملاً متفاوت را نشان می‌دهد و انگیزه او در آن دو موقعیت متفاوت است. این تغییر رفتار در فضاهایی که معلمین گوناگون در کلاس ایجاد می‌کنند، نیز منعکس است. نحوه‌ی رفتار دانش‌آموز در کلاس‌های مختلف و علایق و انگیزه‌های آنها در حضور و استفاده از کلاس، حاصل فضاهای متفاوت آنهاست. فضاهای ساخته شده توسط برخی معلمین، سرشار از تحرک، پرسشگری، شادابی و رضایت است؛ در حالیکه فضای ساخته شده توسط برخی دیگر از معلمان مملو از سردی، بی‌انگیزش، ملامت و نفرت است.

برقراری رابطه مطلوب با دانش‌آموزان، پذیرش و تأیید آنها، بر آنها زیاد خرده نگرفتن، به نظرات آنها توجه کردن، با همه عادلانه رفتار کردن و به دانش‌آموزان خاص اظهار علاقه بیشتری نکردن، شوخ‌طبع و خوش‌اخلاق بودن، ایجاد فعالیت‌های متنوع کلاسی، ایجاد محیطی صمیمی و به دور از استبداد، باعث ایجاد محیطی پراکنجه در کلاس برای دانش‌آموزان می‌شود. با ایجاد فعالیت‌های متعدد مانع از بروز مشکلات انضباطی و بی‌انگیزگی در کلاس شود. معلم در کلاس با صدای بلند و واضح صحبت کند، بایستد و حرکت کند، از فعالیت‌های کلاسی طولانی و خسته‌کننده بپرهیزد. هنگام توضیح مطالب ناملموس و انتزاعی مثال‌های بیشتری بزند تا دانش‌آموزان بیشتر رغبت به گوش کردن داشته باشند. به حضور و غیاب دانش‌آموزان توجه نمایند، اجازه ندهد کلاس توسط یک یا دو نفر دانش‌آموز تسخیر شود. به جای ارتباط مداوم معلم با دانش‌آموز، سعی شود تا گاهی دانش‌آموزان بایکدیگر ارتباط برقرار کنند، حداکثر امکانات برای دانش‌آموزان فراهم شود. معلمان باید قادر باشند قدرت تفکر دانش‌آموزان را پرورش دهند، رشد آنها را تسهیل نمایند، به خوبی از عهده اداره کلاس برآیند، درس را در کیفیتی بالا عرضه کنند، یادگیری دانش‌آموزان را ارزیابی کنند باید درس را طوری طراحی کنند که اطلاعات یک درس، درس‌های قبل را کامل کند و مبنای یادگیری آینده را تشکیل دهد تا دانش‌آموزان علاقه و رغبت بیشتری برای ادامه بحث داشته باشند. باید به تفاوت‌های فردی و شناختی دانش‌آموزان آگاهی داشته باشند و به این تفاوت‌ها توجه کنند. به دانش‌آموزان دارای افت تحصیلی توجه ویژه‌ای داشته باشند و جلسات



مشاوره برای آنها ترتیب بدهند. از دانش آموزان کم علاقه به یادگیری بیشتر سؤال شود، توانایی‌های دانش آموزان را دریابند و در مسیر درست هدایت کنند با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی برای هر دانش آموز، درس خود را با سطح علمی دانش آموزان، آماده کنند و هر کجا که لازم باشد به آموزش انفرادی روی آورند، سرعت تدریس را متناسب با پیشرفت دانش آموزان تنظیم نمایند تا انگیزه دانش آموزان به تحصیل کم نشود. تدریس ضعیف اغلب خستگی و ناامیدی دانش آموزان را موجب می‌شود. برای هر یک از دانش آموزان کاری در نظر بگیرند و به این دلیل که با مهارت‌های متفاوت آنها تناسب دارد به فعالیت برانگیخته می‌شوند.

معلمان باید فعالیت‌های کلاس را به نحوی سازماندهی کنند که «خودپنداره‌ی مثبت» در آنها تقویت شود. رشد خود پنداره مثبت دانش آموزان موجب افزایش انگیزه ایشان در کلاس درس برای موفقیت می‌گردد. معلمان با اطلاع از عوامل ارتقاء انگیزه دانش آموزان به آنها کمک کنند، تا علائق خود را رشد داده از رفتارهای خود آگاه شوند و بر نیازهای شخصی خود پاسخ گویند. به هر طریق ممکن سعی کنند نگرش مثبت در ذهن دانش آموزان نسبت به درس بوجود آورند، زیر انگرش منفی باعث عدم علاقه به درس مربوطه می‌شود. آنها با آموزش مهارت‌های اجتماعی ضروری برای زندگی و عواملی که بر رفتار اجتماعی فرد تأثیر دارد، آنها را به آموزش علاقمند کنند. و بسیار سازمان یافته عمل کنند، دانش آموزان خود را خیلی واضح توجه کنند که چه کاری را باید انجام دهند و چگونه آنها را انجام دهند؟ توانایی انتقال اهداف درسی به دانش آموزان تأثیرات عمیقی بر آمادگی دانش آموزان برای شرکت در کلاس و نیز مطالعه می‌گذارد.

امروزه معلمان به اهمیت حل مساله در زندگی پی برده اند. آنها باید تکامل مهارت حل مساله را به اشکال مختلف در برنامه‌های درسی مورد تأکید قرار دهند و درس‌ها را به گونه‌ای ارائه دهند که در زندگی روزمره نیز مورد استفاده قرار گیرد. تفکر خلاق را در دانش آموزان خویش پرورش دهند و با سازماندهی فعالیت‌های یادگیری به پرورش خلاقیت دانش آموزان، کمک کنند. در آنها احساس اطمینان، اعتماد به نفس و موفقیت ایجاد کنند. معلمان برای ایجاد علاقه دانش آموزان باید مهارت تمرکز را به دانش آموزانش بیاموزد تا آنها موضوعات پریشان کننده‌ی حواس را کم کرده، گزینش‌های خود را افزایش دهند، مهارت‌های خوب گوش دادن، درست صحبت کردن،



برنامه‌ریزی و... رابه دانش‌آموزان آموزش دهد. وقتی به دانش‌آموز آموخت که چگونه می‌توان یاد گرفت، در هر شرایطی خودبه‌یادگیری می‌پردازد و علاقه به یادگیری در او بیشتر می‌شود. باید عوامل احساسی منفی مانند ترس از شکست، فرار از پذیرش مسئولیت، احساس ناتوانی، حقارت، ترس از تنبیه و... در آنها ریشه کن شود و احساسات مثبت را در آنها پرورش داد. زیرا افراد با احساسات مثبت وقتی حتی شکست می‌خورند، شکست را به عواملی نسبت می‌دهند که آنها را می‌شود تغییر داد و ناامید نمی‌شوند و انگیزه آنها از بین نمی‌رود.

معلمان باید نسبت به رفتارهای خشن و آزاردهندی دانش‌آموزان حساس و هوشیار باشند و آنها را که در جمع دوستانشان نادیده گرفته شده یا طرد می‌شوند، شناسایی و درصدد کمک به آنها برآیند تا نسبت به درس و مدرسه بی‌انگیزه نشوند. باید در بین دانش‌آموزان باورهای دینی و اعتقادی تقویت شود و توجه اسلام به کسب تحصیل گوشزد گردد. برای ایجاد انگیزه از دانش‌آموزان قوی کمک گرفت. در مدرسه عوامل استرس‌زا را از بین برد. دانش‌آموزان را با هم مقایسه نکرد. آنها را برای شرکت در مسابقات و فعالیت‌ها تشویق کرد. برای ایجاد انگیزه تحصیلی در دانش‌آموزان ضعیف، آنها را در گروههایی که از نظر درسی قوی هستند عضو کرد. آنها را در فعالیت‌های مدرسه مشارکت داد. معلمان باید با اجرای نقش الگویی برای دانش‌آموزان به آنها کمک کنند تا دانش‌آموزان گاهی به صورت گروهی درس بخوانند و پرسش و پاسخ نمایند. تا در آنها ایجاد انگیزه شود. به دانش‌آموزان کمک کنند تا در گروهی عضو شوند که باعث احساس ارزشمندی و انگیزه بالا در آنها شود. به آنها کمک کرد که با همکاری جمعی و مشارکت در درس و فعالیت در حین سرگرمی و شادی با انگیزه بیشتری درس بخوانند. تاکید بر نمره و امتحان به شیوه معمول را حذف کرده و از روش ارزشیابی کیفی استفاده کنند. دانش‌آموزان در کلاس درس باید بتوانند عقاید خود را آزادانه بیان کنند و از گفتار دیگران بهره بگیرند، بتوانند تصمیمات صحیح اتخاذ کنند؛ به حل مشکلات اقدام کنند، با شیوه‌های صحیح مطالعه آشنا شوند؛ خود را در ابعاد گوناگون وجودی بشناسند و یا شناخت خود و استعدادهایشان رغبت و علاقه به تحصیل در آنها بیشتر شود.



منابع و مآخذ

- پوریان، محمود، (۱۳۸۳)، نشریه ماهنامه آموزشی - تربیتی پیوند، شماره ۳۰۴، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- سوادکوهی، علی اصغر، (۱۳۸۵)، نشریه ماهنامه آموزشی - تربیتی پیوند، شماره ۳۲۶، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- شانگ، دال و دیگران، ترجمه: کییری، مسعود، (۱۳۸۵)، نشریه رشد مشاور مدرسه، شماره ۳، تهران: انتشارات کمک آموزشی.
- شیخ، ناصر، (۱۳۸۶)، نشریه هفته نامه خبری - تحلیلی و آموزشی نگاه، شماره ۳۲۸، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- فضلی خانی، منوچهر، (۱۳۸۲)، راهنمای عملی روشهای مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس، تهران: آزمون نوین.
- فضلی خانی، منوچهر و دیگران، (۱۳۸۴)، برگزیده مقالات و تجارب راهنمایی - مشاوره ای معلمان، تهران: انتشارات عابد.
- کلینکه، کریس. آل. ترجمه: محمدخانی، شهرام، (۱۳۸۰)، مهارت های زندگی، تهران: انتشارات سپندهنر.
- کیامرئی، آذر، (۱۳۸۲)، چکیده مقالات بهداشت روانی کودکان و نوجوانان،
- محمودی راد، فرح، (۱۳۸۳)، نشریه ماهنامه آموزشی تربیتی پیوند، شماره ۳۰۳، تهران: وزارت آموزش و پرورش.